

۸۵۷۸

۱۷۳۰

تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن

محقق: حسین فاریاب*

چکیده

تحریف به معنای تغییر است. به گمان بسیاری از دانشوران شیعه و سنی، در تورات و انجیل - یا دست کم تنها در تورات - تحریف راه یافته است. مستند بسیاری از اینان آیات قرآن کریم است. سخن از تحریف تورات و انجیل موجود، امری نامعقول است؛ با این حال، تحریف تورات و انجیل اصیل از ظاهر برخی آیات قرآن کریم برمی آید. هدف این نوشتار بررسی آیه‌ای است که بسیاری از مفسران شیعه و سنی بر پایه ظاهر آنها، به تحریف آن دو کتاب آسمانی یا یکی از آنها نظر داده‌اند. نگارنده با مراجعه به این آیات و جست و جوی در متون تفسیری شیعه و اهل سنت، به بررسی این مسئله پرداخته است. بر اساس این پژوهش اغلب آیات بر این ادعا دلالتی ندارند و تنها در یک آیه با کمک روایات شأن نزول می‌توان ادعای یادشده را ثابت کرد.

کلیدواژه‌ها: تحریف لفظی، تحریف معنوی، تغییر، تورات، انجیل.

* دانشجوی دکتری کلام اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دریافت: ۸۸۳/۲۱ پذیرش: ۸۸۵/۲۶

مقدمه

قرآن کریم از نزول تورات و انجیل بر دو پیامبر بزرگ الهی، موسی و عیسی علیه السلام خبر می‌دهد. بی‌گمان آنچه امروزه در اختیار مسیحیان و یهودیان قرار دارد و از آن به کتاب مقدس تعبیر می‌کنند، غیر از تورات و انجیل اصیل فرستاده شده بر این دو پیامبر است. نگاهی کوتاه به کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نظریه آسمانی بودن آنها را - به گونه‌ای که مسلمانان درباره قرآن معتقدند - رد می‌کند. ضمن اینکه بنا بر اظهارات یهودیان، تورات نوشته شخص حضرت موسی علیه السلام بوده و به یاور مسیحیان انجیل چهارگانه را پس از وفات حضرت عیسی علیه السلام افراد بشری نوشته‌اند، بنابراین، هر دو ادعای یهودیان و مسیحیان با این اعتقاد مسلمانان که خداوند تورات و انجیل را بر آن دو پیامبر فرو فرستاد، منافات دارد.

راه یافتن تحریف در هر کتابی حتی کتاب‌های آسمانی امری محتمل است. البته سخن از تحریف تورات و انجیل موجود، امری نادرست است، اما در اینکه آیا تورات و انجیل اصیل تحریف شده‌اند یا نه، بین دانشوران مسلمان اختلاف هست. هدف این نوشتار بررسی آیاتی است که بسیاری از مفسران شیعه و سنی بر پایه ظاهر آنها، تحریف آن دو کتاب آسمانی را نتیجه گرفته‌اند.

مفهوم تحریف و اقسام آن

لغت‌نویسان واژه تحریف را به معنای تغییر دانسته‌اند.^(۱) خلیل فرامیدی نیز استعمال این واژه در قرآن را به همین معنا می‌داند.^(۲)

تحریف را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تحریف لفظی: کم یا زیاد کردن الفاظ؛
۲. تحریف معنوی: برگرداندن عبارت از معنای واقعی خود با حفظ اصل الفاظ.

تحریف محل نزاع

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، بحث از تحریف تورات و انجیلی که امروزه در اختیار یهودیان و مسیحیان است، امری نامعقول است، چراکه اساساً به اذعان پیروان این دو دین، خداوند متعال کتاب‌هایی به نام تورات و انجیل بر حضرت موسی و عیسی علیه السلام نازل نکرده است، بلکه به اعتقاد یهودیان، تورات نوشته حضرت موسی علیه السلام و انجیل چهارگانه نوشته پیروان حضرت عیسی علیه السلام است.^(۳)

محرور بحث ما این است که بر اساس آیات نورانی قرآن کریم، خداوند متعال دو کتاب آسمانی به نام‌های تورات و انجیل بر این دو پیامبر بزرگ نازل کرده است. از سوی دیگر در برخی از آیات از تحریف آن دو کتاب فرستاده شده سخن به میان آمده است. بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت نیز بر اساس ظاهر آن آیات موضوع تحریف آن دو کتاب یا دست‌کم کتاب تورات را پذیرفته و آن را به قرآن نسبت داده‌اند.

همچنین باید دانست که وقوع تحریف معنوی در هر کتاب آسمانی و بشری محتمل است و در این نوشتار ما در پی اثبات یا رد چنین نوعی از تحریف نیستیم. آنچه مورد نظر این نوشتار است بحث از تحریف لفظی تورات و انجیل است. حال پرسش این است که آیا به راستی می‌توان با توجه به آیات قرآن کریم این ادعا را ثابت کرد که تورات و انجیل فرستاده

شده بر موسی و عیسی علیهما السلام را پیروان آن دو پیامبر الهی تحریف کرده‌اند؟

البته قائلان به این دیدگاه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

آیات قرآنی بیانگر تحریف

در شش آیه از آیات نورانی قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده است:

- شماری از آنها قائل به تغییر و تبدیل آن کلمات اند. (۵)

- برخی دیگر نیز بر تأویل کلام الله به دست همراهان حضرت موسی علیه السلام تأکید دارند. (۶)

بر اساس چنین برداشتی از آیه، اولاً انجیل از موضع بحث خارج می‌شود؛ ثانیاً دیگر نمی‌توان این آیه را دلیل بر تحریف لفظی تورات و انجیل دانست.

آیه یکم. بقره: ۷۵

﴿أَفَتَطْمَئِنُّونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛ آیا انتظار دارید به [آیین] شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که آگاه بودند؟! (۷)

۲. تحریف معنوی تورات

گروهی از مفسران شیعه و اهل سنت، با اذعان به اینکه مقصود از کلام الله همان تورات است، تحریف به کار رفته در آیه را تحریف معنوی دانسته‌اند. (۷)

در این آیه خداوند متعال به مسلمانانی که امید داشتند قوم یهود اسلام را اختیار کنند، می‌گوید: اینان هم آنان‌اند که کلام خدا را شنیدند و پس از فهمیدن آن به تحریفش پرداختند.

۳. تحریف لفظی تورات

گروهی دیگر از مفسران بر این باورند که مقصود از تحریف در این آیه، تحریف تورات است. ظاهر عبارت ایشان با قول به تورات لفظی سازگارتر است. اینان تغییر صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و آیه رجم را مصادیق چنین تحریفی شمرده‌اند (۸) و برخی، جمهور مفسران اهل سنت را بر این عقیده دانسته‌اند. (۹)

در باره اینکه مراد از کلام الله در این آیه چیست و آیا از این آیه تحریف تورات و انجیل به دست می‌آید، نظریات مختلفی ارائه شده است:

۱. تغییر و تأویل در کلمات القا شده به حضرت موسی علیه السلام

۴. تحریف لفظی و معنوی تورات

برخی مفسران نیز مقصود از تحریف را اعم از لفظی و معنوی تورات دانسته‌اند. (۱۰)

برخی از مفسران مقصود از کلام الله را در این آیه همان کلماتی دانسته‌اند که در کوه طور به موسی علیه السلام القا شد و همراهان آن حضرت آن را شنیدند و پس از بازگشت از کوه طور به تغییر و تحریف آن پرداختند. (۴)

بررسی و تحقیق: قطعی‌ترین نکته‌ای که درباره این آیه می‌توان گفت این است که از آن، تحریف انجیل بر نمی‌آید؛ اما اینکه این آیه در پی بیان تحریف

تورات است یا نه، خود وابسته به این است که منظور از کلام الله در این آیه همان تورات باشد، آن‌گاه باید دانست که مراد از تحریف آیا لفظی است یا معنوی. اثبات چنین امری از دو راه ممکن است. پیش از آن، یادآوری مقدمه‌ای کوتاه لازم می‌نماید:

قرآن کریم در سه آیه از میقات حضرت موسی علیه السلام با خداوند خبر داده است: یک. ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتٍ رَبُّهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾ (اعراف: ۱۴۲)؛ و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب [دیگر] کامل کردیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش [یا او]، چهل شب تمام شد.

در این آیه درباره توقف چهل روزه حضرت موسی علیه السلام در میقات برای دریافت الواح تورات سخن به میان آمده است.

دو. ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَايَ وَكِنِّي أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ﴾ (اعراف: ۱۴۳)؛ و هنگامی که موسی به وعده‌گاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم! در این آیه نیز، سخن گفتن حضرت موسی علیه السلام با خداوند متعال و تقاضای رؤیت الهی و برآورده نشدن این درخواست از سوی خداوند سبحان، به تصویر کشیده شده است.

سه. ﴿وَإِخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾ (اعراف: ۱۵۵)؛ موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید.

این آیه نیز از انتخاب هفتاد نفر از قوم بنی اسرائیل برای حضور در میقات خبر داده است.

با توجه به این مقدمه، دو راه ممکن - البته به طور فرضی و عقلی - برای اثبات تحریف تورات به مدد آیه ۷۵ سوره بقره ارائه می‌شود:

راه اول

اینکه بگوییم حضرت موسی علیه السلام تنها یک بار به میقات خداوند رفته و در همان میقات عده‌ای از قوم خود را به همراه داشته است و آن همراهان پس از اعطای الواح تورات به آن حضرت و بازگشت به سوی قوم خود آن را تحریف کردند.

در بررسی این نظریه باید به سراغ قرآن رفت و حقیقت را جویا شد. قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۱۵۵ داستان انتخاب این هفتاد نفر را برای حضور در کوه طور با حضرت موسی علیه السلام به تصویر می‌کشد: ﴿وَإِخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾

در اینکه آیا این میقات همان میقاتی بوده است که الواح تورات به وی داده شد یا اینکه، میقات دیگری بوده است، میان مفسران اختلاف وجود دارد. (۱۱) برخی مفسران بر این باورند که تنها یک میقات وجود داشته است که در همان جا تقاضای رؤیت و اعطای الواح تورات به آن حضرت صورت گرفته است. (۱۲)

آیه ۱۴۳ از سوره اعراف درباره میقاتی که تقاضای رؤیت در آن صورت گرفت سخن به میان آورده است: ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَايَ وَكِنِّي أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ﴾

برخی از مفسران شیعه این تقاضا را از آن قوم موسی علیه السلام دانسته‌اند (۱۳) و عده‌ای نیز آن را

در آیه ۱۵۵، از انتخاب آن هفتاد نفر از قوم آن حضرت برای آمدن به میقات و رجفه سخن به میان آمده است:

﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا قَلَمًا أَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةَ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِن قَبْلُ وَإِنِّي أَهْلِكُنَّهُمَا يَمَّا فَعَلَ الشَّقَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ﴾؛ موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای وحدگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت [و هلاک شدند]، گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنان و مرا پیش از این هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده‌اند، [مجازات و] هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو چیز دیگر نیست.

ذیل آیه نشان از آن دارد که مراد از فعلی که موجب رجفه گردید همان گوساله‌پرستی آن قوم بوده است و روایتی هم از امام صادق علیه السلام نقل شده که مراد از فتنه را در این آیه گوساله‌پرستی قوم یهود معرفی کرده‌اند. (۱۵) از مجموع آیات و روایات برمی‌آید که سیر آیات با تعدد میقات سازگارتر است؛ بدین معنا که حضرت موسی علیه السلام در میقات اول خود الواح تورات را دریافت مسی‌کند و پس از بسازگشت و دیدن گوساله‌پرستی قوم خود، به همراه هفتاد نفر از قوم خود به میقات دوم می‌روند که در آنجا قوم او تقاضای رویت می‌کنند.

راه دوم

راه دوم این است که با وجود تعدد میقات، کلام الله در این آیه - که هم بر الواح تورات و هم بر کلمات خداوند با موسی علیه السلام در میقات دوم اطلاق می‌شود -

درخواست همراهان آن حضرت یا همان هفتاد نفر دانسته‌اند (۱۴) که در همان جا تورات به ایشان داده شد. اما ایراد این سخن (وحدت میقات) آن است که الواح تورات پس از چهل شبانه‌روز به آن حضرت داده شد: ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً﴾.

اگر قائل به وحدت میقات شویم لازم می‌آید که این هفتاد نفر در این چهل روز همراه موسی علیه السلام بوده باشند و پیش یا پس از اینکه حضرت موسی الواح تورات را گرفت تقاضای رویت کرده باشند؛ حال آنکه دلیلی بر این ادعا اقامه نشده است. ضمن اینکه سیر آیات چنین وحدتی را رد می‌کند؛ زیرا در آیه ۱۴۲ از چهل شبانه‌روز بودن میقات آن حضرت دارد. در آیه ۱۴۵ اعطاء الواح تورات به آن حضرت را بیان می‌کند: ﴿وَوَكَّبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مِّنْ عِظَّةٍ وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ﴾؛ و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم و بیانی از هر چیز کردیم. پس آن را با جدیت بگیر.

در آیه ۱۴۸ از سوره اعراف از گوساله‌پرستی قوم موسی علیه السلام در غیاب ایشان سخن به میان می‌آید:

﴿وَإِذْ خَذَّ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ عِجْلًا بَعَثْنَا لَهُ خُوزًا﴾؛ قوم موسی بعد [از رفتن] او [به وحدگاه خدا] از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جانى که صدای گوساله داشت.

آیه ۱۵۰ از همین سوره بازگشت حضرت موسی علیه السلام را به سوی قوم خود بیان می‌کند:

﴿وَوَلَّمَا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾؛ و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت.

مراد همان تورات باشد که قوم آن حضرت آن را تحریف کردند. البته باورمندان به این نظر برای اثبات ادعای خود دلیلی اقامه نکرده و احتمال دیگر را نیز نفی ننموده‌اند.

با توجه به این اشکالات بر این دو راه، نمی‌توان از این آیه، تحریف تورات را به قرآن نسبت داد.

آیه دوم. بقره: ۷۹

﴿قَوْلِ الَّذِينَ يُكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلِ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَتَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾؛ پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنان از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند. خداوند متعال در این آیه از نوشتن کتاب‌هایی از سوی برخی افراد و نسبت دادن آنها به خداوند خبر می‌دهد. تمام مفسران افراد یادشده در این آیه را علمای یهود دانسته‌اند؛ اما درباره اینکه مقصود از کتاب در این آیه چیست، مفسران نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند:

۱. نوشتن کتابی غیر از تورات

بر اساس این دیدگاه، برخی از بنی اسرائیل به نوشتن کتابی غیر از تورات پرداختند و اعلام کردند که این کتاب، کتاب خداوند است؛ حال آنکه مطالب موجود در این کتاب با آیات تورات مخالف بوده است. (۱۶)

۲. تحریف معنوی تورات

بر اساس این دیدگاه، کتاب یادشده در این آیه همان

تورات بوده و قوم بنی اسرائیل به تغییر معانی آن اقدام کرده، سبب تحریف معنوی در آن شدند. (۱۷)

۳. تحریف لفظی تورات

مفسران نخستین جهان اسلام به همراه برخی دیگر از مفسران شیعه و سنی این آیه را دلیل بر وقوع تحریف لفظی در تورات به وسیله قوم یهود دانسته و تغییر صفت پیامبر گرامی ﷺ را مصداقی از آن تحریف معرفی کرده‌اند. (۱۸)

بررسی و تحقیق: نگاه بدون پیش‌داوری به آیه پیش‌گفته ما را به این نتیجه می‌رساند که بر اساس این آیه، قوم یهود کتابی را نوشته بودند و می‌گفتند که این کتاب یا مطلب در آن، از جانب خداوند است؛ حال ممکن است که کتابی دیگر غیر از تورات بوده باشد و نیز ممکن است که مطلبی را در کتابی نوشته بودند و در تورات وارد می‌نمودند.

نظریه تحریف لفظی تورات، شاهدی از خود آیه به همراه ندارد؛ از این رو، نمی‌توان با استناد به این آیه، نظریه تحریف لفظی تورات را به قرآن نسبت داد. ضمن اینکه تحریف معنوی نیز با ظاهر معنای آیه سنخیتی ندارد؛ چراکه در آیه سخن از کتابت و نوشتن است و این معنا با مفهوم تحریف ناسازگار است.

با وجود این، در برخی تفاسیر روایتی نقل می‌شود که در آن، امام حسن عسکری ﷺ ذیل همین آیه شریفه می‌فرماید:

وهذا القوم من اليهود كتبوا صفة زعموا انها صفة مسحمد (ص) و همی خلاف صفة و قالوا للمستضعفين منهم هذه صفة النبی المبعوث فی آخر الزمان انه طویل عظیم البدن و الیطن اهدف

در اینکه اینان چه کسانی بودند، مقصود از کتاب کدام کتاب است و سرانجام آیا از این آیه تحریر کتاب آسمانی تورات یا انجیل استنباط می‌شود یا نه، نظریات گوناگونی ارائه شده است:

دیدگاه اول

بر پایه این دیدگاه، چرخاندن زبان، کار برخی از بنی اسرائیل بوده است، اما مقصود از کتاب، کتاب تورات نیست. قائلان به این نظریه بر این باورند که بر اساس این آیه بنی اسرائیل، کتابی غیر از یهود نوشته‌اند. (۲۰)

دیدگاه دوم

به باور قائلان به این دیدگاه مقصود از کتاب، در این آیه همان تورات است. همچنین نتیجه کلی این آیه همان تحریر تورات است؛ اگرچه برخی از مفسران تنها به اصل تحریر اشاره کرده‌اند، (۲۱) اما اغلب مفسران با معین کردن نوع تحریر، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند:

۱. تحریر در قرائت تورات: گروهی بر این باورند که بر اساس این آیه، بنی اسرائیل تنها مرتکب تحریر در قرائت الفاظ تورات شدند. (۲۲)
۲. تحریر معنوی تورات: گروهی دیگر معتقدند که بر اساس این آیه بنی اسرائیل با چرخاندن زبان، در معنای الفاظ تورات تغییر ایجاد کردند و مرتکب تحریر معنوی در آیات تورات شدند. (۲۳)
۳. تحریر لفظی تورات: در میان کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی، مفسرانی را می‌توان یافت که بر پایه این آیه، تحریر لفظی تورات را به قوم یهود نسبت داده‌اند. (۲۴)

اصهب الشمره؛ (۱۹) اینان قوم یهود بودند، سر خود صفتی را که پنداشته بودند مربوط به محمد است نوشتند؛ در حالی که آن، خلاف ویژگی‌های آن حضرت بود، و به مردم مستضعف خود گفتند: این، ویژگی پیغمبر آخرالزمان است: او فردی قد بلند، تنومند یا شکمی بزرگ، گردن ستبر، ریش قرمز [یا: سفیدی در موی سر] است.

در روایت هم سخن از نوشتن صفتی است؛ حال این عمل ممکن است به شکل نوشتن آن در تورات در عصر پیامبر اکرم ﷺ باشد یا در کتابی مستقل. به هر حال اگرچه نظریه تحریر لفظی تورات بر اساس این آیه امری محتمل است، از این آیه نمی‌توان به طور قطع تحریر لفظی تورات را استنباط کرد.

آیه سوم. آل عمران: ۷۸

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ آلِيئَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛ در میان آنها کسانی هستند که زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید [آنچه را می‌خوانند] از کتاب [خدا] است، در حالی که از کتاب [خدا] نیست! [و با صراحت] می‌گویند: «آن از طرف خداست» یا اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند.

خداوند متعال در این آیه، از این واقعیت خبر می‌دهد که برخی افراد به هنگام خواندن کتاب آسمانی‌شان، زبان خود را می‌چرخانند، آن‌گاه پس از ایجاد تغییر در آن الفاظ، آنها را همان الفاظ واقعی معرفی می‌کردند.

بررسی و تحقیق: پیش از داوری درباره نظریات ارائه شده، لازم است برخی از واژگان آیه را بررسی لغوی کنیم. واژه «یلوون» از ماده «لوی» به معنای «قتل الحبل» یعنی پیچاندن است^(۲۵) که در این صورت ظاهر آیه تحریف لفظی تورات را اثبات نمی‌کند، بلکه قدر متیقن از معنای آیه این است که یهود زبان را در دهان می‌پیچاندند و الفاظ را به گونه دیگری غیر از آنچه در تورات آمده بود، ادا می‌کردند و می‌خواستند آن را به تورات نسبت دهند، اما اینکه چنین کاری به الفاظ تورات هم سرایت کرد یا نه، آیه از آن ساکت است. افزون بر آن، اساساً روشن نیست که مقصود از کتاب همان تورات باشد. بنابراین از این آیه نمی‌توان تحریف لفظی تورات را ثابت کرد.

آیه چهارم. نساء: ۴۶

﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ
وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَزَاعِنَا
لَيَأْتِيَنَّهُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ﴾؛ بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند و [به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»]، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم!» و [نیز می‌گویند: «بشنو!» که هرگز نشنوی!» و [از روی تمسخر می‌گویند: «راعنا [ما را تحمق کن!]» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند.

خداوند متعال در این آیه به صراحت از تحریف کلمات و جابه‌جا کردن آنها به وسیله قوم یهود، خبر داده است. با وجود این، در این آیه روشن نشده است که مقصود از کلمات، کدام کلمات‌اند؟ مفسران شیعه و سنی در این باره نظریات متعددی ارائه کرده‌اند:

۱. القای شبهات فاسد

بر اساس این دیدگاه، مقصود از کلمات در این آیه، کلمات موجود در تورات نیست، بلکه مقصود القای شبهات فاسد از طریق گرداندن زبان در دهان به وسیله قوم یهود بوده است. بنابراین، آیه بیانگر تحریف تورات به وسیله قوم یهود نیست.^(۲۶)

۲. به کاربردن الفاظ در غیر جای خود

قائلان این نظریه بر این باورند که بر اساس این آیه، قوم یهود الفاظ را در غیر جای خود به کار می‌بردند.^(۲۷) بر پایه این دیدگاه، تحریف تورات به وسیله قوم یهود از این آیه بر نمی‌آید.

۳. تغییر معانی الفاظ

برخی مفسران مقصود از تحریف را در این آیه به معنای تغییر معانی الفاظ به وسیله یهود با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی دانسته است؛^(۲۸) بر پایه این نظریه نیز، آیه بیانگر آن نیست که یهودیان تورات را تحریف کرده‌اند.

۴. تحریف معنوی تورات

برخی دیگر از مفسران، از این آیه تحریف معنوی تورات به وسیله قوم یهود را نتیجه گرفته‌اند.^(۲۹)

۵. تحریف لفظی تورات

بر اساس این دیدگاه، مقصود از تحریف در این آیه، همان تحریف لفظی تورات است.^(۳۰)

۶. تحریف معنوی و لفظی

برخی از مفسران بر این باورند که این آیه به نحو مطلق از

آیه پنجم، مانده: ۱۳

﴿فَبِمَا نَفْسِهِمْ يَبْتَغِيهِمْ لَعْنَتَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾؛ پس به سبب پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم. سخنان [خدا] را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند.

خداوند متعال در این آیه از پیمان شکنی‌های قوم یهود، تحریف و جابه‌جایی کلمات و نیز فراموش کردن آن کلمات از سوی قوم یهود خبر می‌دهد. این پیمان شکنی‌ها سبب دور شدن آنها از رحمت خداوند و سنگ شدن دل‌های آنها شد.

حال پرسش این است که اولاً مقصود از «کلمات» در این آیه چیست؟ ثانیاً مراد از تحریف، کدام نوع از تحریف است؟

مفسران شیعه و سنی در این باره نظریات متعددی ارائه کرده‌اند:

۱. تغییر در حکم خدا

برخی از مفسران درباره این آیه تنها به این نکته اشاره کرده‌اند که بنی اسرائیل در حکم خدا تغییر ایجاد کردند. (۳۴)

۲. نوشتن تورات به جای توارت مفقود شده

برخی از مفسران بر این باورند که با توجه به گم شدن تورات در طول تاریخ ممکن است این آیه اشاره به آن باشد که جمعی از دانشمندان یهود به نوشتن تورات اقدام کردند، در نتیجه قسمت‌های فراوانی از میان رفت و قسمتی تحریف یا به دست فراموشی

تحریف تورات سخن گفته است؛ بنابراین، مقصود از تحریف در این آیه، اعم از معنوی و لفظی است. (۳۱)

۷. تحریف لفظی، معنوی و تحریف کلام‌الله و

تحریف کلام رسول‌الله ﷺ

برخی از مفسران نیز مقصود از تحریف را در آیه اعم از لفظی و معنوی و نیز تحریف کلام‌الله و کلام رسول‌الله ﷺ دانسته‌اند. (۳۲)

بررسی و تحقیق با توجه به معنای اصلی واژه تحریف که به معنای تغییر است، باید گفت که این معنا، هم با تحریف لفظی و هم با تحریف معنوی هر دو سازگار است؛ برای تعیین یکی از این دو باید قرائن و شواهد را جست‌وجو کرد.

به نظر می‌رسد برای استنباط معنای درست آیه، باید مجموع آیه را ملاحظه کرد. نگاهی جامع به آیه بیانگر این حقیقت است که جمله معطوف بر عبارت «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» می‌تواند مراد آیه را روشن سازد. عبارت معطوف - که در حقیقت مفسر عبارت یحرفون الكلم عن مواضعه است از مسخره کردن پیامبر اکرم ﷺ از جانب قوم یهود در قالب تغییر معانی و جابه‌جا کردن معنای الفاظ با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی خبر می‌دهد.

ضمن اینکه برخی مفسران روایتی را - هرچند به طور مرسل - از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کنند که بر اساس آن، قوم یهود با توجه به اختلاف لغات عبری و عربی به استهزاء رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرداختند و در این هنگام این آیه کریمه نازل شد. (۳۳)

بنابراین از ظاهر این آیه کریمه نمی‌توان تحریف لفظی را برداشت کرد و روایت موجود هم مؤید این مطلب است.

سپرده شد، و آنچه به دست آنها آمد، بخشی از کتاب واقعی حضرت موسی علیه السلام بود که با خرافات زیادی آمیخته شده بود و آنها همین بخش را نیز گاهی به دست فراموشی سپردند. (۳۵)

افزون بر آن، به الفاظ مکتوب تورات نیز راه یافته است؟ از آیه کریمه نمی توان پاسخ این دو پرسش را به دست آورد. پس، از این آیه نیز نمی توان به تحریف لفظی تورات پی برد.

۳. تحریف معنوی

گروهی دیگر از مفسران مقصود از تحریف را تحریف معنوی دانسته اند. (۳۶)

آیه ششم، مانده: ۴۱

﴿وَيَوْمَ الَّذِينَ يَدْعُوا سَمَاعُونَ لِيَكْذِبَ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ مَعْدٍ مَوَاضِعِهِ يَنْقُوتُونَ إِنْ أُوْتَيْتُمْ كَسَدًا فَخَذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَآخَذُوا﴾؛ و [ممجنین] گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند. آنان سخنان را از مفهوم اصلی اش تحریف می کنند، و [به یکدیگر] می گویند: اگر این [که ما می خواهیم] به شما داده شد [و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد]، بپذیرید، وگرنه [از او] دوری کنید.

خداوند متعال در این آیه از برخی بنی اسرائیل نام می برد که با جاسوسی و کارشکنی در رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به تحریف کلمات می پردازند.

سؤال اساسی در این آیه آن است که مقصود از کلمات و تحریف آنها چیست؟ مفسران شیعه و سنی در این باره دیدگاه های متفاوتی ارائه کرده اند:

۱. تغییر احکام

گروهی از مفسران در مقام تبیین این آیه، سخنی از تحریف تورات به میان نیاورده و بر این باورند که این آیه در مقام بیان آن است که خداوند احکامی را بر

۴. تحریف لفظی

برخی مفسران شیعه و سنی با توجه به این آیه، تحریف لفظی تورات را به قوم یهود نسبت داده اند. (۳۷)

۵. تحریف لفظی و معنوی

گروهی دیگر از مفسران نیز مقصود از تحریف را در این آیه اعم از لفظی و معنوی دانسته اند. (۳۸)

بررسی و تحقیق: چنان که پیش تر بیان شد، تحریف به معنای تغییر است و این معنا هم با تحریف لفظی سازگار است و هم با تحریف معنوی. در اینجا قرینه ای وجود ندارد که نوع تحریف را روشن کند.

اما در صورتی می توان ملتزم به تحریف لفظی تورات شد که تغییر صورت گرفته در آیه مورد نظر در آیه را اولاً مربوط به تورات بدانیم؛ ثانیاً این تغییر را به الفاظ مکتوب تورات نیز سرایت دهیم؛ یعنی در اینکه بر اساس این آیه، قوم یهود کلماتی را تغییر می دادند، تردید نیست، اما آیا مقصود، تغییر کلمات تورات بوده است؟ اگر مقصود تغییر کلمات تورات بوده، آیا این تغییر تنها در هنگام نقل قول بوده است یا اینکه

به پرداخت نصف دیه می‌شد، اما به جای قصاص، مجازات دیگری را باید متحمل می‌شد. در یک حادثه مردی از بنی قریظه، مرد دیگری از بنی نضیر را کشت و بنی نضیر مطابق با پیمان مذکور، تقاضای دیه و نیز تحویل قاتل را دادند، که بنی قریظه این درخواست را مخالف با تورات دانستند و پیشنهاد مراجعه به پیامبر اکرم ﷺ و حاکم قرار دادن ایشان را مطرح نمودند که آیه پیش گفته نازل شد. (۴۳)

بر اساس این روایات اساساً سخنی از تغییر در الفاظ تورات به میان نیامده است و حتی باقی ماندن تورات بر احکام واقعی نیز تأیید شده است.

۲. بر اساس برخی دیگر از اقوال که امامان شیعه نیز آن را تأیید کرده‌اند، سبب نزول این آیه تغییر حکم زنا از رجم به جلد بود. قوم یهود چنین کرده بودند و در گفت‌وگوی میان پیامبر اکرم ﷺ و ابن صوریان به این امر اعتراف شد. (۴۴)

روایات نوع دوم میان شیعه و سنی طرفدار بیشتری دارد، به ویژه آنکه از امامان شیعه و نیز صحابه بزرگواری همچون ابن عباس نقل شده است تا آنجا که مرحوم امین الاسلام طبرسی این شأن نزول را قول امام باقر علیهما السلام و جماعتی از مفسران شمرده (۴۵) و برخی دیگر از محققان این روایت و شأن نزول را روشن‌ترین روایت در این باره دانسته‌اند. (۴۶)

در اینجا پرسش مهم این است که آیا چنین تغییری به الفاظ موجود در تورات راه یافته بود تا بتوان به تحریف لفظی تورات حکم کرد یا نه؟
برای پاسخ به این پرسش لازم است که متن گفتار پیامبر اکرم ﷺ خطاب به ابن صوریا و پاسخ ابن صوریا را نقل کنیم:

قوم یهود وضع کرده بود، ولی آنها آن احکام را تغییر دادند؛ حال به گونه معنوی یا لفظی. (۴۹)

۲. تحریف معنوی تورات

گروهی دیگر از مفسران مقصود از کلمات را همان آیات موجود در تورات دانسته‌اند، اما تحریف را تنها تحریف معنوی تفسیر کرده‌اند. (۴۰)

۳. تحریف لفظی تورات

مفسران دیگری نیز مقصود از تحریف در آیه را تحریف لفظی دانسته‌اند. (۴۱)

۴. تحریف لفظی و معنوی تورات

برخی از مفسران با توجه به اطلاق واژه تحریف، بر پایه این آیه به رخ دادن تحریف لفظی و معنوی در تورات معتقد شده‌اند. (۴۲)

بررسی و تحقیق آیه کریمه از تغییر کلمات سخن به میان آورده و روشن ننموده است که مقصود، تغییر کلمات تورات بوده است یا تغییر کلماتی دیگر. برای روشن نمودن این وضعیت می‌توان به دیدگاه‌های مربوط به سبب نزول آیه رجوع کرد. گویا دو دسته روایت درباره سبب نزول این آیه وجود دارد:

۱. بر اساس برخی اقوال، سبب نزول این آیه تغییر حکم قتل عمد بوده است که بنی قریظه به دلیل کمبود مال و نفرت نسبت به بنی نضیر بر خود تحمیل کرده بودند؛ با این توضیح که اگر فردی از بنی قریظه یکی از بنی نضیر را می‌کشت، افزون بر قصاص، به پرداخت نصف دیه محکوم می‌شد؛ ولی اگر کسی از بنی نضیر کسی از بنی قریظه را می‌کشت، تنها محکوم

است - انصراف به تحریف لفظی دارد. از این رو، می‌توان مدعی شد که با توجه به این آیه، قرآن کریم تحریف لفظی تورات را به قوم بنی اسرائیل نسبت داده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تحریف معنوی در هر کتاب آسمانی از جمله تورات و انجیل راه یافته است.
۲. قرآن کریم در شش آیه، بنی اسرائیل را متهم به تحریف کرده است، اما در هیچ‌یک از این آیات، از تحریف انجیل نازل شده بر حضرت عیسی علیه السلام سخنی به میان نیامده است و در تمام آیات محور بحث، تورات است.
۳. در پنج آیه از شش آیه مورد نظر، می‌توان اذعان نمود که قرآن کریم در صدد آن نیست که بنی اسرائیل را تحریف‌کنندگان لفظی تورات نازل شده معرفی کند.
۴. از آیه ۴۱ سوره مائده با کمک روایات سبب نزول می‌توان به این نتیجه رسید که قوم یهود به تحریف لفظی تورات پرداخته‌اند.

«انشدک بالله الذی لا اله الا هو الذی فلق الیجر لموسی (ع) ... و الذی انزل علیکم کتابه یمین لکم حلاله و حرامه و ظلل علیکم المن و السلوی هل وجدتم فی کتابکم ان الرجم علی من احصن؟ قال: اللهم نعم؛^(۴۷) تو را قسم می‌دهم به خدایی که جز او خدایی نیست، کسی که دریا را برای موسی علیه السلام شکافت... و آن خدایی که کتابش را بر شما نازل کرد تا حلال و حرامش را روشن سازد و خدایی که «من» [شیره مخصوص و لذیذ درختان] و هلوی [مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما سایه‌بان قرار داد [= فرو فرستاد]، آیا در کتاب خود دیدید که بر خود زناکار محصن [همسر دار] مجازات سنگسار است؟

به نظر می‌رسد که اگر در تورات آن زمان حکم زنا محصنه همان حکم اصلی یعنی رجم بود، به فرستادن پیک نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ابن صوری نیاز نبود، بلکه با مراجعه به متن تورات موجود، نزاع بین بنی قریظه و بنی نضیر رفع می‌شد و آن حضرت نیز بدون اینکه نیاز باشد از ابن صوری سؤال کند، خود به تورات مراجعه و حکم واقعه را استخراج می‌نمود. همچنین کیفیت پرسش از ابن صوری و سوگندهای مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای اعتراف گرفتن از ابن صوری و نیز پرسش به صیغه ماضی (= هل وجدتم) همگی تأییدی بر این مطلب است که حکم زنا در الفاظ تورات از رجم به جلد تغییر و تحریف یافته بود؛ لذا رسول خدا از ابن صوری بر آن، اعتراف گرفت.

می‌توان گفت که اطلاق در آیه به لحاظ قسم دوم از روایات سبب نزول - که از قوت لازم برخوردار

- ۱۲- رک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۱۲ / ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۳.
- ۱۳- محمدبن محمدرضا قمی مشهدی، کنزالدقائق و بحرالغرائب، ج ۵، ص ۱۶۹.
- ۱۴- ابوالفتح رازی، روض الجنان، ج ۸، ص ۳۷۴.
- ۱۵- محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱.
- ۱۶- محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۳۰۰ / ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۵۴ / سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۲۰۳ / محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۰۲ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۱۷- سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۳۰۳. البته آلوسی یگانه ناقل این قول است.
- ۱۸- ابن عباس، قتاده، ابن زید و سفیان به نقل از ابن الفرج جوزی، زادالمسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۸۲ / ابی طاهر یعقوب فیروزآبادی، تنویرالمقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۱۲ / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۱ / جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲ / ابوالفتح رازی، روض الجنان، ج ۲، ص ۲۷ و ۲۸ / سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۲، ص ۱۷۳ / محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۱۷ / همو، الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۱ / بهاءالدین لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۷۲ / سیدهاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۸ / سید نصرت امین یانوی اصفهانی، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۲۸۰ / سید علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۶.
- ۱۹- عبدعلی عروسی حوزوی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۹۲ / محمد شهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۲، ص ۶۱ صاحبان این دو تفسیر روایت یادشده را از طبرسی نقل کرده اند. رک: احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۴.
- ۲۰- احمدبن ابی سعد میدی، کشف الاسرار و هدایای برار، ص ۱۱ / سید علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، ج ۲، ص ۱۱۷ / محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۱۶۵ / همو، الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۷.
- ۲۱- محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۲۳۲ / عتیق بن محمد سوراآبادی، تفسیر سوراآبادی، ج ۱، ص ۲۹۶ / سید محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، ج ۶، ص ۱۲۱.
- پی نوشتها
- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳ / اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة، ج ۴، ص ۱۳۴۳ / فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۹۰ / محمدمرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۲۸.
- ۲- خلیل بن احمد فرامیدی، المعین، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۳- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۹۹ / توماس میشل، کلام مسیحی، ص ۲۳ و ۲۴.
- ۴- محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳ / سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۲ / محمد سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹۷ / محمدجواد بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۲ / محمدبن حسن شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ص ۱۶۵ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۳.
- ۵- ابوطاهر فیروزآبادی، تنویرالمفاس من تفسیر ابن عباس، ص ۱۲.
- ۶- محمد رشیدرضا، المنار، ج ۱، ص ۳۵۵.
- ۷- سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۲۹۸ / سید محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، ج ۲، ص ۱۹۷ / محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸.
- ۸- عبدالرحمن بن احمد نسفی، تفسیر نسفی، ص ۲۵ / محمود زمخشوری، الکشاف، ج ۱، ص ۱۵۶ / محمدبن حسین قمی نسیابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۳۵۰ / طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۰ و ۹۱ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۵۲ / ابی الفرج جوزی بغدادی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۸۲ / جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۹۸ / ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۴۹ / فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ۹- سید محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۲۹۸.
- ۱۰- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۶۱. البته وی تحریف لفظی را در صورتی که تأثیری در احتجاج خداوند یا بندگان نداشته باشد، می پذیرد و نیز، رک: محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸ / عبدالله بن عمر بیضاوی، انوارالتزیل، ج ۱، ص ۸۹.
- ۱۱- رک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۸۵ / فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۶۵.

۲۲. محمدجواد بلاغی، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۲۲۲ / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۳، ص ۱۲۰ / ملّا فتح الله کاشانی، زیة التفاسیر، ج ۱، ص ۵۱۲ / محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج ۵، ص ۲۰۸ / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۴، ص ۲۹۳ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲۳. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۵۰ / عبداللہ بن عمر بیضاوی، انوارالتنزیل، ج ۲، ص ۲۴ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۳۷۷ / فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۹۵ / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱ / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۲۳۲ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۴۶ / ملّا فتح الله کاشانی، منہج الصادقین، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲۴. قتادة، ابن جریح و ربیع به نقل از محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۰۸ و ۵۰۹ / ابن عباس، به نقل از ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۸۹-۶۸۴ و نیز به نقل از: محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۶۲ / راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۵۷.

۲۶. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۹۵.

۲۷. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۳۷۳.

۲۸. سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۴، ص ۹۳.

۲۹. محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۷۵ / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۵، ص ۶۱۵۲ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۱۴۸۰ / محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۲۱۳ / فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۶۰۴ / محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۵ / همو، ارشاد الاذہان، ج ۱، ص ۹۱.

۳۰. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۷۱ / عبدالرحمن بن احمد نسفی، تفسیر نسفی، ص ۱۷۷ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۵۱۶ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۵ / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۳، ص ۴۱۷ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳۱. طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰ / عبداللہ بن عمر بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۲، ص ۳۵۰ / سید عبدالاعلی

۲۱. موسوی سبزواری، مواهب الرحمن، ج ۸، ص ۲۴۷ / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲۲. محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج ۷، ص ۹۴.

۲۳. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۶۸.

۲۴. محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذہان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲۶. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۱۴۸ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۱۶۹ / سید علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، ج ۳، ص ۲۲۷.

۲۷. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۹۰ / جلال الدین سیوطی، الدرالمثور، ج ۲، ص ۲۶۸ / بہاء الدین لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۶۲۵ / افزون بر مفسران یادشده، عبارات مفسرانی همچون بیضاوی (انوارالتنزیل، ج ۱، ص ۴۱۷)، نسفی (تفسیر نسفی، ص ۲۱۴)، محمود زمخشری (الکشاف، ج ۱، ص ۶۱۵) و طنطاوی (غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۷، ص ۶۸) نیز به تحریف لفظی نزدیک تر است.

۲۸. محمد رشیدرضا، المنار، ص ۱۲. البته برخی از مفسران نیز هر دو نوع تحریف را بیان کرده اند، اما در این باره که این تحریفات در تورات بوده یا نه؟ نکته خاصی را بیان نکرده اند. رک. محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۲۷۰ / محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج ۸، ص ۲۲۴ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۲۴۵.

۲۹. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۱ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۳۴۷ / محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، ارشاد الاذہان، ج ۱، ص ۹۱ / سید محمدتقی مدرسی، من ہدی القرآن، ج ۲، ص ۳۷۶ / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۴، ص ۱۱۷ / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۷، ص ۷۵.

۴۰. محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۶۳۳ / بہاء الدین لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۶۵۵ / سید علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، ج ۳، ص ۳۳.

۴۱. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۹۴-۹۳ / محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۶، ص ۱۵۲-۱۵۳ / فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۱۸۴.

۴۲. محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۷، ص ۹۸ / عبداللہ بن عمر بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ص

۲۲. محمدجواد بلاغی، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۲۲۲ / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۳، ص ۱۲۰ / ملّا فتح الله کاشانی، زیة التفاسیر، ج ۱، ص ۵۱۲ / محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج ۵، ص ۲۰۸ / حسن مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۴، ص ۲۹۳ / سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲۳. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۵۰ / عبداللہ بن عمر بیضاوی، انوارالتنزیل، ج ۲، ص ۲۴ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۳۷۷ / فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۹۵ / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱ / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۳، ص ۲۳۲ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۴۶ / ملّا فتح الله کاشانی، منہج الصادقین، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲۴. قتادة، ابن جریح و ربیع به نقل از محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۰۸ و ۵۰۹ / ابن عباس، به نقل از ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۸۹-۶۸۴ و نیز به نقل از: محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۶۲ / راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۵۷.

۲۶. فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۹۵.

۲۷. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۳۷۳.

۲۸. سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۴، ص ۹۳.

۲۹. محمدبن جریر طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۷۵ / محمدبن حسین قمی نیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۵، ص ۶۱۵۲ / محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۱۴۸۰ / محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۲۱۳ / فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۶۰۴ / محمدبن حبیب الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۵ / همو، ارشاد الاذہان، ج ۱، ص ۹۱.

۳۰. ابوطاهر فیروزآبادی، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۷۱ / عبدالرحمن بن احمد نسفی، تفسیر نسفی، ص ۱۷۷ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۵۱۶ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۵ / محمد مشهدی قمی، کنزالدقائق، ج ۳، ص ۴۱۷ / ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳۱. طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۰ / عبداللہ بن عمر بیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۲، ص ۳۵۰ / سید عبدالاعلی

- ۲۲۹ / طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۷ / محمد رشیدرضا، المنار، ح ۶، ص ۳۸۹.
- ۲۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ح ۱، ص ۱۶۸ / عتیق بن محمد سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج ۱، ص ۵۶۵.
- ۲۴- مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۷۵ / محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، کنزالدقائق، ج ۴، ص ۱۱۷ / احمد بن ابی اسعد میبندی، کشف الاسرار و عدة الاپرار، ج ۳، ص ۱۱۷ / سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۳۳۹.
- ۲۵- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۰.
- ۲۶- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۸۱-۳۸۲.
- ۲۷- مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۵.
- بعثت، ۱۴۱۵.
- رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
- رازی، محمد بن ادیس ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۱۱، ج دوم.
- رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن العظیم (المنار)، بیروت، دارالفکر، بی تا، ط. الثانية.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، مکتبه الحیاة، بی تا.
- زمخشری، محمود، الکشاف، قم، البلاغه، ۱۴۱۵، ج دوم.
- سبزواری نجفی، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعاون للمطبوعات، ۱۴۰۲.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب اللہ، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹.
- سورآبادی، عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- شیبانی، محمد بن الحسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران، دائرة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶، ج دوم.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، ۱۴۱۲، ج سوم.
- مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، بی جا، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸.
- طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، اسلام، ۱۳۶۴.
- عروسی حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، المعین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم
- منابع
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵، ط. الرابعة.
- ابن منظور، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
- اصفهانی، زاغب، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، بیروت، احیاء التراث، ۱۴۲۳.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.
- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
- توماس، میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- جوزی، ابی الفرج، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۳.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة، تحقیق احمد بن عبدالغفور، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷.
- حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد

- سامرای، بی جا، موسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹.
- فضل الله، سيد محمد حسين، من وحى القرآن، بيروت، دارالزهراء للطباعة والنشر، ۱۴۰۵.
- فيروزآبادي، ابي طاهر يعقوب، تنوير المقاييس من تفسير ابن هياس، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- قرشي، سيد علي اكبر، احسن الحديث، تهران، واحد تحقيقات اسلامي، ۱۳۶۶.
- قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، بيروت، دارالفكر، ۱۴۲۰.
- قمی، علی بن ابراهيم، تفسير القمی، قم، موسسه دارالكتاب للطباعة والنشر، ۱۳۴۷.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، كنزالدقائق و بحر الفرائد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۶.
- كاشانی، ملافتح الله، زیادة التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامي، ۱۴۲۳.
- منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، كتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۴.
- لاهیجی، بهاء الدین، تفسير شریف لاهیجی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۳.
- مدرسی، سيد محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین، ۱۴۱۹.
- مصطفوی، حسن، تفسير روشن، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- حکام شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، تهران، دارالكتاب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
- موسوی سبزواری، سيد عبدالاعلی، مواهب الرحمان فی تفسير القرآن، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۱۴۰۴.
- میدی، احمد بن ابی اسعد، كشف الاسرار و حدة الاپرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- نسفی، عبدالرحمن بن احمد، تفسير نسفی، بيروت، داراحیاء الکتب العربیه، بی تا.
- نيسابوری، محمد بن حسین قمی، غرائب القرآن و رغائب القرآن، مصر، مکتبه مصطفى البابی الحلبي، (۱۳۸).